



۱۲

ریز و درشت تجسمی فجر ۹۷



۱۱

یادداشت میرجلال الدین کزازی درباره دلیری‌های زنان گُرد

زنانی از جنس گردآفرید

فرنگ

چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۷ :: شماره ۵۲۵۹



به روستای گورسفید در گیلانغرب رفتیم و پای حرف‌های زنی نشستیم
که خالق دراماتیک‌ترین سکناس زنانه جنگ است؛ فرنگیس

سفر به دیار «فرنگ»

۱۰

امروز چی داریم؟

خانه «فرنگیس» کجاست؟

اول برویم سراغ صفحات ۱۰ و ۱۱ که بسیار خواندنی است. هفته



گذشته، درست يك روز قبل از این‌که زلزله دوباره شهرهای استان کرمانشاه را بلرزاند، صابر محمدی، خبرنگار کاردریست گروه فرهنگ و هنر به قصد دیدار با **فرنگیس حیدرپور** راهی این استان شده بود. فرنگیس را که به خاطر دارید؟ همان شیرزن ایرانی که در روزگار جوانی و ایام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران يك سرباز عراقی را با تبر کشته و دیگری را هم اسیر کرده بود. محمدی با فرنگیس مفصل گپ زده و البته در فضای مناطقی که سال گذشته زلزله به آنها آسیب‌هایی وارد کرد هم سری زده و مشاهدات عینی خود را نوشته است. این‌که هنوز بسیاری از مردم از جمله فرنگیس در کانکس‌ها زندگی می‌کنند و خانه ندارند، از جمله مشاهدات تلخ اوست که می‌توانید توضیحات کاملش را خودتان مطالعه کنید.



در همین صفحه هم محمدصادق علیزاده، دبیر گروه فرهنگ و هنر يك سفر تاریخی انجام داده و رفته به کنفرانسی که در جریان جنگ جهانی دوم داشته و تاثیر زیادی هم بر این رویداد گذاشته است.

حتما می‌پرسید این چه ربطی به ایران دارد، از آنجا که ما مردم تاریخ‌خوانی نیستیم، احتمالا خیلی‌ها نمی‌دانند که کنفرانس مذکور در همین تهران خودمان برگزار شده و در دنیا هم با نام **کنفرانس تهران** شناخته شده است. جالب است بدانید که روزولت، چرچیل و استالین، رهبران آمریکا، بریتانیا و شوروی بدون این‌که دولت ایران خبر داشته باشد، برای برگزاری کنفرانس تهران به ایران سفر کردند و برخلاف قواعد بین‌الملل مانند مهمان‌های ناخوانده از راه رسیدند و گردهمایی‌شان را همین‌جا در پایتخت ما انجام دادند، بی‌آن‌که حکومت وقت را حتی به‌رسمیت بشناسند و به‌آن اطلاع دهند! این مطلب را حتما بخوانید و واکاوی این رویداد تاریخی را از دست ندهید.



در صفحه ۱۲ هم فاطمه شهدوست رفته سراغ دست‌اندرکاران **پانزدهمین**

جشنواره تجسمی فجر؛ جشنواره‌ای که امسال ۱۱ ساله می‌شود و هنوز آن‌طور که باید نتوانسته خود را میان هنرمندان تثبیت کرده و به جایگاهی که باید برسد. درحالی‌که ۱۱ سال برای يك جشنواره در سطح ملی عمر کوتاهی نیست و این رویداد باید در مسیری حرکت کند که هرچه زودتر به شرایطی باثبات رسیده و رضایت و توجه هنرمندان این عرصه و همچنین منتقدان را به خود جلب کند. در این گزارش سعی شده به این معضلات و همچنین راهکارهای آن پرداخته شود. در این صفحه سراغ واکنش محمد معتمدی، خواننده موسیقی ایرانی به گزارش جام‌چم درباره سلطان کنسرت هم رفته‌ایم. موضوع سلطان کنسرت را اولین‌بار این خواننده مطرح کرده بود و آذر مهاجر درباره‌اش گزارش مفصل و خوبی نوشت که مورد توجه معتمدی قرار گرفته است.

تصویری تاریخی از گردهمایی سران انگلیس، آمریکا و شوروی در تهران ۱۳۳۲



۷۵ سال قبل در چنین روزهایی وینستون چرچیل، روزولت و استالین در کنفرانس مهمی در پایتخت ایران تکلیف جنگ جهانی دوم را یکسره کردند

جشن تولد چرچیل در تهران

آبان ۱۳۹۶، تهران، هتل اسپیناس؛ ولادیمیر پوتین در کنار اردوغان و رئیس‌جمهور روحانی در نشست خبری مهم‌شان درباره سوریه در تهران در آغاز برنامه زبان به تمجید از تهرانی‌ها گشود. او با عذرخواهی از مزاحمت‌هایی که رفت و آمدها و تدابیر امنیتی این اجلاس برای مردم پایتخت فراهم آورده بود از صبر و تحمل آنها تشکر کرد. حالا هم در کنار رئیس‌جمهور ایران و ترکیه نشسته بودند تا تصمیمات راهبردی خودشان را درباره سوریه اعلام کنند. هر قدر اجلاس ۱۳۹۶ تهران محترمانه و شیک و مجلسی برگزار شد و ایران به‌عنوان یکی از وزنه‌های مهم و تاثیرگذار اجلاس در آن حضور داشت، اما...



محمدصادق علیزاده
فرهنگ و هنر

آذر ۱۳۲۲، تهران، سفارت کبرای شوروی
چند روز قبل کاردار شوروی، به سهیلی، نخست‌وزیر شاه جوان ایران اطلاع داده بود که سران شوروی، آمریکا و انگلیس قرار است همین روزها برای برگزاری کنفرانس مهمی راهی تهران شوند. اجلاس قرار است کی برگزار شود؟ ایرانی‌ها باید چه کنند؟! احتمالا اینجا و چند سوال دیگر از مهم‌ترین سوال‌هایی بوده که محمدرضا پهلوی ۲۴ ساله و علی‌سهیلی، نخست‌وزیر ۴۶ ساله از مسؤولان سفارت شوروی پرسیده و پاسخی نشنیده بودند. قرار هم نبود بشنوند.

وزرای خارجه سه کشور چندی قبل در مسکو دور هم جمع شده و بنای این را گذاشته بودند که رهبران‌شان یکجا دور هم جمع شوند. چرچیل و روزولت روی قاهره و بغداد نظر داشتند، اما استالین تهران را پیشنهاد داده بود. ایران و پایتخت آن تهران از دو

فردوسی و يك ضلعش هم بخش زیادی از خیابان استاد شهریار (شمال سفارت) و نوفل‌لوشاتو (جنوب سفارت) را به خود اختصاص داده است. در ادامه اما به دلیل رفت و آمدهای متعددی که بین سفارت‌ها برقرار بود و البته دوری سفارت آمریکا از محل برگزاری جلسات (سفارت شوروی) که احتمال بروز مشکلات امنیتی را پدید می‌آورد، رئیس‌جمهور آمریکا هم تصمیم گرفت که در محل سفارت شوروی سکنی گزیند. فاصله چرچیل در سفارت انگلیس با این دو نفر در سفارت شوروی هم چند دقیقه بیشتر نبود. این شکلی شد که این سه نفر دو سه روزی را در تهران پاییزی ۷۵ سال قبل دورهم بودند و در نهایت تصمیم گرفتند که در دور جدید جنگ چگونه به جان هیتلر و ارتش آلمان بیفتند. تلاش‌شان دو سال بعد نتیجه داد و شعله جنگ جهانی دوم برای همیشه خاموش شد.

دورهمی ۳ قدرت کجای تهران بود؟

مسؤولان سه کشور ابتدا هر کدام در سفارت‌های خود بودند. جلسات اما در سفارت شوروی برقرار می‌شد. جایی که همین الان هم سفارت روسیه است. بله همین باغ بزرگی را عرض می‌کنیم که يك سرش در خیابان حافظ (نرسیده به جمهوری) است و سر دیگری در نزدیکی سفارت انگلیس در خیابان



واما «جاده جنگ»

حالا درست است که در حوزه کتاب و نشر دستان حسابی پر است، اما اگر مانند نویسنده این گزارش بخشی از علایق و دغدغه‌هایتان در حوزه تاریخ معاصر بوده و شاخه‌هایتان نسبت به این موضوع حساس باشد احتمالا تصدیق خواهید کرد که عمده این آثار در زمره تاریخ هستند و زبان سخت تاریخی دارند. دستمایه دادن مواد تاریخی و از آنها يك اثر عامه‌پسندتر مانند رمان خلق کردن هنر دیگری می‌خواهد که در این زمینه کمی دست‌مان تنگ است. با همه این احوالات همین الان يك رمان چند جلدی در بازار وجود دارد که نطفه دارم و قصه‌اش کاملا در زمان ایران سال‌های اشغال بسته شده و جالب است بدانید که سریال «در چشم باد» هم از روی طرح اولیه این رمان ساخته شده. صحبت از رمان «جاده جنگ» است که تاکنون ۱۰ جلد آن به بازار آمده؛ رمانی که هسته اصلی داستانی‌اش هم بر مبنای يك واقعیت تاریخی اتفاق افتاده. اسم رمان هم به این خاطر «جاده جنگ» است که در سال‌های جنگ جهانی دوم، ایران به عنوان پل پیروزی متفقین شناخته می‌شد. آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها برای حمایت از ارتش سرخ که در شرق اروپا با ارتش آلمان درگیر بود، حمایت‌های پشتیبانی و لجستیک خود را با کشتی به بندر خرمشهر می‌آوردند.

قطار و خط‌ریلی در خرمشهر این اقلام را از آنجا به شاهرود می‌آورد. بار پشتیبانی در شاهرود بر کامیون‌ها بار شده و از مرزهای شمال شرقی از ایران خارج و به شرق اروپا برده و به خط مقدم ارتش سرخ شوروی تزریق می‌شد. این شکلی خاک‌کشوری که دولت آن علنا در ابتدا اعلام بی‌طرفی کرده بود با زور نظامی اشغال شد تا به عنوان پل پیروزی از آن استفاده شود.



یاد «مدار صفر درجه» به خیر

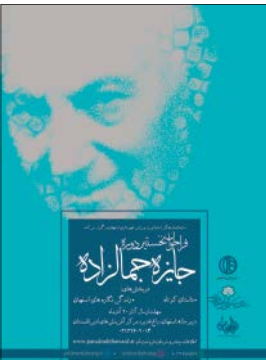
این سریال با کارگردانی استاد حسن فتحی هم از دیگر تولیداتی است که بخش‌هایی از آن ناظر به سال‌های اشغال ایران است و قصه‌اش را در تهران آن روزها روایت می‌کند. طبعاً دیدن خاک اشغال شده ایران زیر چکمه قوای متجاوز متفقین و قحطی و گرسنگی و فقر مردم در آن سال‌ها چندان راحت نیست.

«مدار صفر درجه» هم به‌زعم خودش کوشیده بخشی از مرارت‌ها و رنج‌های مردم ایران را در سال‌های اشغال به قاب تلویزیون بیاورد. حضور شهاب حسینی، رویا تیموریان، مسعود رایگان، لعیا زنگنه و يك دوچین بازیگر دیگر حساب وزن این سریال را بالا برده بود و زمان پخش آن باید مراقب می‌بودیم که تلویزیون

روی زمین نیفتد.

«چرند و پرند»هایی که جدی گرفته نمی‌شوند

جشنواره‌های ادبی این روزها در استان‌ها فعالیت خوبی دارند و جان گرفته‌اند. از يك طرف جایزه ادبی محمدعلی جمالزاده در اصفهان فراخوان خود را اعلام و مهلت ارسال آثار را تا ۲۰ آذرماه اعلام کرده و از طرف دیگر هم محمدعلی علومی اعلام کرده قرار است جایزه طنز و کاریکاتور بم با نام «چرند و پرند» بزودی برگزار شود. امسال جشنواره داستان‌نویسی آهن هم فراخوان خود را اعلام کرد و بخش ویژه خود را به زندگی‌کارگران معدن اختصاص داد. در جایزه ادبی جمالزاده که علی‌خدایی، نویسنده، دبیری آن را برعهده دارد و آثار نویسندگان در دو بخش داستان کوتاه و زندگی‌نگاره‌های اصفهان با هم رقابت خواهند کرد، امکان حضور در این جشنواره برای همه نویسندگان فراهم است. داستان‌نویسان می‌توانند آثار داستانی خود را ارسال کنند و هر نویسنده‌ای با هر تخصصی هم می‌تواند مشغول نوشتن شود و از اصفهان، زندگی در این شهر و لحظه‌های سفر خود بنویسد.



جشنواره سراسری طنز «چرند و پرند» هم به دبیری علومی در شش بخش شعر، نثر، داستان کوتاه، مقاله، کاریکاتور و استندآپ کمدی ۱۶ و ۱۷ اسفندماه در ارگ جدید بم برگزار خواهد شد. فراخوان این جشنواره هم بزودی منتشر می‌شود تا علاقه‌مندان بتوانند در این جشنواره شرکت کنند. طبعاً این اولین‌بار نیست که جشنواره‌های استانی جان می‌گیرند و می‌توانند حال و هوای متفاوتی ایجاد کنند، نویسندگان جوان را از سراسر کشور به تکاپو وادارند و برای يك موضوع واحد دور هم جمع کرده و در يك فضای رقابتی آنها را به خلق اثر وادارند، خصوصاً در جشنواره جمالزاده که هویت شهر تاریخی و زیبای اصفهان هم قرار است توسط نویسندگان به‌عنوان يك موضوع جذاب بررسی شود. اما نکته این است که کاش مسؤولان استانی اهمیت وجود این جشنواره‌ها را به‌عنوان درجه‌هایی کوچک اما موثر برای نفس کشیدن شهرها و از آن مهم‌تر مجامع ادبی که در سراسر کشور در حال فعالیت هستند، درک کنند و اجازه ندهند این جشنواره‌ها قدم‌های اول خود را محکم بردارند و بعد ناگهان فراموش شوند.

استمرار در برگزاری این جشنواره‌ها، هم می‌تواند به شهرها هویت عمیق‌تری ببخشد و هم اتفاقات ادبی خوبی را رقم بزند. اتفاقاتی که جریان‌های ادبی يك شهر را محکم‌تر کند و موجب ارتقای آنها شود.